

## فهرست فشرده

### کتاب نخست

#### سبک‌شناسی نظری

۳۳	۱) زبان و سبک
۶۵	۲) سبک ادبی
۹۱	۳) دانش سبک‌شناسی
۹۹	۴) سبک‌شناسی و دانش‌های ادبی و زبانی
۱۲۵	۵) رویکردهای سبک‌شناسی

### کتاب دوم

#### سبک‌شناسی عملی

۲۰۹	۶) مسائل پایه در تحلیل سبک
۲۲۷	۷) سبک‌شناسی لایه‌ای
۲۴۳	۸) لایه‌ی آوایی سبک
۲۴۹	۹) لایه‌ی واژگانی سبک
۲۶۷	۱۰) لایه‌ی نحوی سبک
۳۰۳	۱۱) لایه‌ی بLAGی سبک
۳۴۵	۱۲) لایه‌ی ایدئولوژیک سبک
۳۷۷	۱۳) سبک‌شناسی طنز
۳۹۵	۱۴) سبک‌زنانه
۴۲۷	نمايه
۴۴۵	كتاب‌نامه

## فهرست گسترده

۲۱ .....	پیش‌گفتار
کتاب نخست	
سبک‌شناسی نظری	
(۱) زبان و سبک ..... ۱	
۳۳ .....	(۱-۱) معنای سبک ..... ۱
۳۵ .....	(۱-۲) شش مفهوم بنیادین در سبک ..... ۱
۳۵ .....	(۱-۲-۱) سیک: گزینش انگیخته از زبان ..... ۱
۳۹ .....	(۱-۲-۲) سبک: فراهنگاری (خروج از زبان معيار) ..... ۱
۴۸ .....	(۱-۲-۳) سبک: تکرار و تداوم یک مشخصه ..... ۱
۵۰ .....	(۱-۲-۴) سبک: گونه‌ی کاربردی زبان ..... ۱
۵۷ .....	(۱-۲-۵) سبک: سخن متناسب با موقعیت ..... ۱
۶۲ .....	(۱-۲-۶) سبک: نمود فردیت ..... ۱
۶۴ .....	خلاصه ..... ۱
۶۵ .....	(۲) سبک ادبی ..... ۲
۶۶ .....	(۲-۱) مفهوم ادبی ..... ۲
۶۹ .....	(۲-۲) ویژگی‌های سخن ادبی ..... ۲
۷۰ .....	(۲-۲-۱) نقش‌های ادبی زبان ..... ۲
۷۱ .....	(۲-۲-۲) چندلایگی دلالت ..... ۲
۷۲ .....	(۲-۲-۳) فضیلتِ ابهام ..... ۲
۷۳ .....	(۲-۲-۴) صدق و کذب‌ناپذیری ..... ۲
۷۴ .....	(۲-۲-۵) بر جسته‌سازی ..... ۲
۷۴ .....	(۲-۲-۶) شخصی‌سازی زبان ..... ۲

۳-۲ فردیت در سخن علمی و ادبی.....	۷۹
۱-۳-۲) سبک فردی و سبک گروهی.....	۸۲
۲-۳-۲) فردیت، تقلید، سنت.....	۸۶
خلاصه.....	۸۹
۳) دانش سبک‌شناسی.....	۹۱
۱-۳ آشنایی با سبک‌شناسی.....	۹۱
۱-۱-۳) سبک‌شناسی نظری و عملی.....	۹۳
۲-۱-۳) ارزش سبک‌شناسی.....	۹۳
۳-۱-۳) سبک‌شناسی ادبی.....	۹۴
۱-۳-۱-۳) کارکردهای سبک‌شناسی ادبی.....	۹۵
خلاصه.....	۹۷
۴) سبک‌شناسی و دانش‌های ادبی و زبانی .....	۹۹
۱-۴) سبک‌شناسی و بлагفت.....	۹۹
۲-۴) سبک‌شناسی و زبان‌شناسی.....	۱۰۵
۳-۴) سبک‌شناسی و انواع ادبی.....	۱۰۸
۴-۴) سبک‌شناسی و نقد ادبی مدرن.....	۱۱۳
۵-۴) سبک‌شناسی و تاریخ ادبی.....	۱۱۶
۶-۴) سبک‌شناسی، دانش میان‌رشته‌ای.....	۱۲۱
خلاصه.....	۱۲۲
۵) رویکردهای سبک‌شناسی.....	۱۲۵
۱-۵) رویکردهای تأثیری و سنتی.....	۱۲۶
۱-۱-۵) سبک‌شناسی شمی.....	۱۲۶
۲-۱-۵) سبک‌شناسی عاطفی.....	۱۲۹
۳-۱-۵) سبک‌شناسی بیانی.....	۱۳۰
۴-۱-۵) سبک‌شناسی تکوینی.....	۱۳۳
۵-۱-۵) سبک‌شناسی تفسیری.....	۱۳۵
۶-۱-۵) سبک‌شناسی ارزشی.....	۱۳۶

۱۳۶	۷-۱-۵) سبک‌شناسی آموزشی.....
۱۴۰	۲-۵) رویکردهای زبان‌شناسانه.....
۱۴۱	۱-۲-۵) سبک‌شناسی تاریخی.....
۱۴۴	۲-۲-۵) سبک‌شناسی صورت‌گرا.....
۱۴۹	۳-۲-۵) سبک‌شناسی ساختاری.....
۱۴۷	۴-۲-۵) سبک‌شناسی نقش‌گرا.....
۱۵۲	۵-۲-۵) سبک‌شناسی گفتمانی.....
۱۵۶	۶-۲-۵) سبک‌شناسی کاربردی.....
۱۵۹	۷-۲-۵) سبک‌شناسی شناختی.....
۱۶۷	۳-۵) رویکردهای آماری.....
۱۶۷	۱-۳-۵) سبک‌شناسی آماری.....
۱۷۲	۲-۳-۵) سبک‌شناسی پیکرهای.....
۱۷۳	۳-۳-۵) سبک‌سنجهی.....
۱۸۴	۴-۵) رویکردهای فرهنگی و اجتماعی.....
۱۸۴	۱-۴-۵) سبک‌شناسی اجتماعی.....
۱۸۵	۲-۴-۵) سبک‌شناسی فمینیستی.....
۱۸۶	۳-۴-۵) سبک‌شناسی انتقادی.....
۱۹۰	۴-۴-۵) سبک‌شناسی بنیادگرا.....
۱۹۲	۵-۴-۵) سبک‌شناسی خواندن.....
۱۹۴	۶-۴-۵) سبک‌شناسی چندرسانه‌ای.....
۱۹۵	۵) جمع‌بندی رویکردهای سبک‌شناسی.....
۱۹۵	۱) رویکردهای متن‌بنیاد.....
۱۹۶	۲) رویکردهای بافت‌بنیاد.....
۱۹۸	۶-۵) راز هم‌گرایی و نوzaایی سبک‌شناسی.....
۲۰۰	۷-۵) دشمنان سبک‌شناسی.....
۲۰۴	۸-۵) بیانیه‌ای برای سبک‌شناسی.....
۲۰۶	خلاصه.....

## کتاب دوم

### سبک‌شناسی عملی

۲۰۹.....	(۶) مسائل پایه در تحلیل سبک
۲۰۹.....	۱-۶) ملاحظات روش شناختی
۲۱۰.....	۱-۱) تعیین پیکره‌ی متنی
۲۱۰.....	۲-۱) شناسایی عناصر سبک‌ساز
۲۱۱.....	۳-۱) اکتشاف از لایه‌ی خرد به سوی کلان‌لایه‌ها
۲۱۲.....	۴-۱) تفسیر عناصر سبک‌ساز
۲۱۳.....	۵-۱) سنجش تقابل‌های سبکی
۲۱۴.....	۶-۱) گونه‌شناسی و نام‌گذاری سبک
۲۱۸.....	۷-۱) جایگاه محتوا در تحلیل سبک
۲۱۹.....	(۲-۶) عوامل پیدایی سبک
۲۲۰.....	۲-۲) عوامل روان‌شناسیک (فردی)
۲۲۳.....	۲-۲-۶) عامل جامعه‌شناسیک
۲۲۷.....	(۳-۶) روند دگردیسی سبک
۲۲۸.....	۲-۳-۶) دگردیسی سبک شخصی
۲۲۲.....	۲-۳-۶) دگردیسی سبک‌های عمومی
۲۳۵.....	خلاصه
۲۳۷.....	(۷) سبک‌شناسی لایه‌ای
۲۴۱.....	خلاصه
۲۴۳.....	(۸) لایه‌ی آوایی سبک
۲۴۸.....	خلاصه
۲۴۹.....	(۹) لایه‌ی واژگانی سبک
۲۴۹.....	۱-۹) واژه‌گزینی
۲۵۱.....	۱-۱-۹) واژگان حسی یا انتزاعی

۲۵۲	۹-۱-۲) عموم و خصوص در واژه.....
۲۵۳	۹-۱-۳) عامیانگی و شکوهمندی واژگان.....
۲۵۴	۹-۱-۴) کهن‌گرایی و واژه‌سازی.....
۲۶۰	۹-۲-۱) تأثیر ایدئولوژیک واژه.....
۲۶۰	۹-۲-۲) رمزگان متن و ارجاع به ایدئولوژی.....
۲۶۲	۹-۲-۲-۱) اشاره‌گر: عنصری معنادار در رابطه‌ی قدرت.....
۲۶۲	۹-۲-۲-۲) نشان‌داری واژه‌ها.....
۲۶۶	خلاصه.....
۲۶۷	۱۰-۱) لایه‌ی نحوی سبک.....
۲۶۸	۱۰-۱-۱) پیوندِ نحو و اندیشه.....
۲۶۹	۱۰-۱-۲) کیفیت واژه‌چینی در جمله.....
۲۷۰	۱۰-۱-۲-۱) چیدمانِ طبیعی در جمله (نحو معيار).....
۲۷۴	۱۰-۱-۲-۲) چیدمانِ نشان‌دار.....
۲۷۵	۱۰-۳-۱) سبک و ساختمان جمله‌ها.....
۲۷۵	۱۰-۳-۲) طول جمله‌ها.....
۲۷۵	۱۰-۳-۳) پیوند جمله‌ها.....
۲۷۹	۱۰-۳-۳-۱) پیوستار بлагی جمله‌ها (انسجام نحوی).....
۲۸۲	۱۰-۳-۳-۲) متغیرهای نحوی و تنوع سبک.....
۲۸۴	۱۰-۴) بازتاب دیدگاه نویسنده در نحو.....
۲۸۴	۱۰-۴-۱) وجهیت (مُدالیته).....
۲۸۶	۱۰-۴-۲) وجهیت در فعل جمله.....
۲۸۹	۱۰-۴-۳) وجهیت در قید.....
۲۹۰	۱۰-۴-۴-۱) وجهیت در صفت‌های ارزش‌گذار.....
۲۹۱	۱۰-۴-۴-۲) زمان.....
۲۹۵	۱۰-۴-۴-۳) صدای دستوری و سبک.....
۳۰۲	خلاصه.....

۳۰۳.....	(۱) لایه‌ی بلاغی سبک.....	۱۱
۳۰۴.....	(۱-۱) سبک در برونه و درونه‌ی زبان.....	۱۱
۳۰۶.....	(۲-۱) صناعات معنایی و تفاوت‌های سبکی.....	۱۱
۳۰۶.....	(۱-۲) سبک تشییهی.....	۱۱
۳۰۸.....	(۲-۲) سبک تمثیلی.....	۱۱
۳۰۹.....	(۳-۲) سبک نمادگرایی.....	۱۱
۳۱۰.....	(۴-۲) سبک آیرونیک.....	۱۱
۳۱۴.....	(۳) استعاره و سبک.....	۱۱
۳۱۴.....	(۱-۳) نگرگاه صورت‌گرا.....	۱۱
۳۲۰.....	(۱-۱-۳) سبک استعاری یا سبک مجازی.....	۱۱
۳۲۲.....	(۲-۳) نگرگاه شناختی.....	۱۱
۳۲۲.....	(۱-۲-۳) فرایندهای استعاره‌سازی.....	۱۱
۳۲۴.....	(۴) استعاره و شناخت.....	۱۱
۳۲۵.....	(۱-۴) سازه‌های استعاره‌ی مفهومی.....	۱۱
۳۲۹.....	(۲-۴) سلطه‌ی نگاشت استعاری بر سبک.....	۱۱
۳۳۰.....	(۵) مقوله‌سازی استعاره‌ی شناختی.....	۱۱
۳۳۱.....	(۱-۵) استعاره‌ی نو یا قراردادی.....	۱۱
۳۳۲.....	(۲-۵) استعاره‌ی جوششی یا کوششی.....	۱۱
۳۳۴.....	(۳-۵) استعاره‌ی شخصی یا ایدئولوژیک.....	۱۱
۳۳۴.....	(۴-۵) استعاره‌های خوشه‌ای یا گسسته.....	۱۱
۳۳۶.....	(۵-۵) بن‌ماهیه و استعاره‌ی شناختی.....	۱۱
۳۳۸.....	(۶) نقش‌های استعاره.....	۱۱
۳۳۹.....	(۱-۶) انگیزش و اقانع.....	۱۱
۳۳۹.....	(۲-۶) کتمان و پوشیده‌گوئی.....	۱۱
۳۳۹.....	(۳-۶) نقش زیبایی‌شناسیک.....	۱۱
۳۴۰.....	(۴-۶) آفرینش‌گری.....	۱۱
۳۴۱.....	(۵-۶) تأویل و تفسیر.....	۱۱

۳۴۱	۱۱-۶) شناخت و معرفت بخشی.....
۳۴۲	۱۱-۶) گسترش زبان.....
۳۴۳	۱۱-۶) شخصی سازی زبان.....
۳۴۴	۱۱-۷) پرسش هایی در تحلیل استعاره.....
۳۴۵	خلاصه..... ۱۲) لایه‌ی ایدئولوژیک سبک.....
۳۴۵	۱۲-۱) سبک، گفتمان، ایدئولوژی.....
۳۵۰	۱۲-۲) ایدئولوژی در متن.....
۳۵۴	۱۲-۳) ایدئولوژی و ساختهای زبان.....
۳۵۵	۱۲-۳-۱) ایدئولوژی در لایه‌ی واژگانی.....
۳۵۸	۱۲-۳-۲) ایدئولوژی در لایه‌ی نحوی.....
۳۶۰	۱۲-۳-۳) ایدئولوژی و صناعات بلاغی.....
۳۶۳	۱۲-۳-۴) استعاره و ایدئولوژی.....
۳۶۵	۱۲-۳-۵) نقش‌های استعاره‌ی ایدئولوژیک.....
۳۶۷	۱۲-۴) ایدئولوژی و فردیت هنری.....
۳۷۰	۱۲-۴-۱) ایدئولوژی و سبک شخصی.....
۳۷۲	۱۲-۵) تقابل ادبیت با ایدئولوژی.....
۳۷۴	۱۲-۶) تناقض‌های ایدئولوژیک متن.....
۳۷۵	خلاصه.....
۳۷۷	۱۳) سبک‌شناسی طنز.....
۳۷۷	۱۳-۱) ماهیت طنز.....
۳۷۹	۱۳-۲) نظریه‌ی ناهماهنگی.....
۳۸۱	۱۳-۲-۱) ناسازگاری آوابی.....
۳۸۳	۱۳-۲-۲) ناسازگاری واژگانی.....
۳۸۶	۱۳-۲-۳) ناسازگاری گفتمانی.....
۳۹۰	۱۳-۴-۲) ناسازگاری معنایی.....
۳۹۱	۱۳-۵) ناسازگاری موقعیتی.....

۳۹۲	.....(۱) مراعات ادب .....(۲-۱-۵)
۳۹۳	.....(۳) پرسش‌هایی برای تحلیل سبک طنز.....(۳-۱۳)
۳۹۴	.....خلاصه.....
۳۹۵	.....(۴) سبک زنانه.....(۱۴)
۳۹۵	.....(۱) مبانی سبک زنانه.....(۱۴-۱)
۳۹۶	.....(۲) زبان و جنسیت.....(۱۴-۱-۱)
۴۰۲	.....(۳) زنانه‌نویسی چیست؟.....(۱۴-۱-۲)
۴۰۴	.....(۴) لایه‌های سبک زنانه.....(۱۴-۲)
۴۰۴	.....(۱) لایه‌ی آوایی.....(۱۴-۲-۱)
۴۰۴	.....(۲) لایه‌ی واژگان.....(۱۴-۲-۲)
۴۰۶	.....(۳) لایه‌ی نحوی.....(۱۴-۲-۳)
۴۰۸	.....(۴) لایه‌ی بلاغی.....(۱۴-۲-۴)
۴۱۰	.....(۵) لایه‌ی کاربردی.....(۱۴-۲-۵)
۴۱۳	.....(۳) ویژگی‌های داستان‌پردازی زنانه.....(۱۴-۳)
۴۱۳	.....(۱) مسئله‌ی فرم.....(۱۴-۳-۱)
۴۱۴	.....(۲) ساده‌نویسی.....(۱۴-۳-۱-۱)
۴۱۴	.....(۳) جزئی نگری.....(۱۴-۳-۱-۲)
۴۱۶	.....(۴) صورت‌گرایی .....(۱۴-۳-۱-۳)
۴۱۶	.....(۵) فضاهای محدود داستان .....(۱۴-۳-۱-۴)
۴۱۷	.....(۶) رؤیانگاری .....(۱۴-۳-۱-۵)
۴۱۸	.....(۷) محتوای نوشتار زنان .....(۱۴-۳-۲)
۴۱۸	.....(۱) بعض تاریخی از فراموش شدگی زن .....(۱۴-۳-۲-۱)
۴۱۸	.....(۲) مردستیزی .....(۱۴-۳-۲-۲)
۴۱۹	.....(۳) خودجویی و خودبایی .....(۱۴-۳-۲-۳)
۴۱۹	.....(۴) از تن‌نویسی .....(۱۴-۳-۲-۴)
۴۲۰	.....(۵) دغدغه‌ی زیست .....(۱۴-۳-۲-۵)
۴۲۰	.....(۶) غلبه‌ی عشق رمانی .....(۱۴-۳-۲-۶)
۴۲۱	.....(۷) بازتاب ایدئولوژی فمینیستی در ادبیات فارسی .....(۱۴-۴)

۴۲۲.....	(۱-۴-۱۴) مرحله‌ی بروون‌فکنی بغض تاریخی.....
۴۲۳.....	(۲-۴-۱۴) مرحله‌ی بازیابی خویشتن.....
۴۲۴.....	(۳-۴-۱۴) مرحله‌ی استقلال.....
۴۲۶.....	خلاصه.....
۴۲۷.....	نمایه .....
۴۴۵.....	کتاب‌نامه.....

## باید گریست بر غم تنهایی زبان

ن شکافت جست و جوی معما یی زبان  
از گفت و گو مخواه شکیبایی زبان  
محتاج نیست شیشه به گویایی زبان  
جان کاه تر ز صحبت غوغایی زبان  
باید گریست بر غم تنهایی زبان  
حیرت نگاه قافیه پیمایی زبان  
بیدل دهلوی

رمزی که درسِ مکتبِ آرامِ خامشی سنت  
پرواز، آرمیدگی از بال می برد  
خونین دلان به دیده‌ی تر گفت و گو کند  
در محفل شعور بلایی نیافریم  
ا هل سخنْ غریبِ جهانِ حقیقت‌اند  
هستیم بیدل از نسقِ دل‌فریبِ نظم

## سپاس‌گزاری

دانشجویان کلاس‌های سبک‌شناسی در دانشگاه‌های تربیت معلم تهران و فردوسی مشهد سهم ویژه‌ای در تکوین این کتاب دارند؛ آن‌ها که از پانزده سال پیش نگاه‌های نیوشایشان به کلاس‌های سبک‌شناسی جان بخشید و در بازآزمایی یکایک روش‌ها و دیدگاه‌ها همراهی ام کردند. آن چشم‌های شنوا را بر گردن این کتاب حق‌های بسیار است؛ این ایاتِ مولوی ارزانی هم‌دلی‌های بی‌دریغ آن خوش‌نشان باد:

ای تو عشقِ عشق و ای دلخواه عشق	ای سرافیل قیامت‌گاه عشق
گوش خواهم که نهی بر روزنم	اولین خلعت که خواهی دادنم
ز آرزوی گوش تو هوشم پرید	صد هزاران بار ای صدر فرید
و آن تبسم‌های جان‌افزای تو	آن سمیعی تو و آن إ صغای تو
بس پذیرفتی تو چون نقدِ درست	قلب‌های من که آن معلوم توست

نیز سپاس‌گزارم از همکار ارجمند دکتر مریم صالحی‌نیا و آقایان هاشم صادقی محسن‌آباد و امین حق پرست دانشجویان دکتری دانشگاه فردوسی که متن را خواندند و دقایق ارزنده‌ای را یاد‌آور شدند. خانم سارا گُرد، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی در ویرایش و اصلاح آشتگی‌های نوشه‌ها از هیچ کوششی دریغ نکرد. هم‌چون همیشه قدردان جناب آقای علی اصغر علمی مدیر محترم نشر سخن هستم که اگر حمایت‌ها و ترغیب‌های مستمرشان نبود این نوشتار در این روزگار انجام نمی‌یافت. شادمانی و خرمی همگی را آرزو دارم.

محمود فتوحی

مشهد، دی‌ماه ۱۳۹۰

## پیش‌گفتار

هدف اصلی از تألیف این کتاب، احیای نقش سبک‌شناسی به مثابهٔ میانجی دانش‌های زبانی و ادبی و پشتونهای اصلی نقد روش‌مند است. غفلت از امکانات این دانش، مطالعات ادبی را در لغزش گاه تفسیرهای ذوقی و قضاوت‌های شخصی در می‌غلتاند. نظریه‌های ادبی در دو دهه‌ی اخیر، متن‌های ادبی فارسی را دست‌مایه‌ی خوانش‌ها و تفسیرهای خویش کرده‌اند. در این خوانش‌ها متن بهانه‌ای است برای بازتولید ایده‌ها و بازآزمایی مبانی آن نظریه‌ها. متأسفانه در این گونه خوانش‌ها نه سرشت متن و تبار آن بازشناخته می‌شود و نه پیوندش با تاریخ و سنت و بافت اجتماعی آن.

نقد ادبی فارسی در خوانش‌های ذوقی و تفسیرهای آزادانه و تأویلات شخصی شاید کامیاب بوده، ولی در این‌ای ن نقش بنیادین خویش که شناخت ابداع، اصالت سبک و فردیت هنری مؤلف است سخت ناکام مانده چه رسد به قضاوت و ارزیابی. این ناکامی را بیش از همه مورخ ادبی درمی‌یابد آن گاه که در انبوه نقد و نظرها حکم قابل اعتمادی درباره‌ی فردیت خلاق و نوآوری‌های مؤلف، تبارشناسی متن، تأثیر و تأثرا و روابط بینامتنی نمی‌یابد. پژوهش‌ها و نقدهای موجود، معیار و قاعده‌ای به دست نمی‌دهد تا بر پایه‌ی آن بتوان سبک‌های شخصی و عمومی، گونه‌های متن، انواع ادبی و دوره‌های ادبی را شناخت.

### چشم‌انداز سبک‌پژوهی در زبان فارسی

درست است که در گذشته‌ی زبان فارسی تا زمان انتشار کتاب سبک‌شناسی محمد تقی بهار (۱۳۳۰ ش) بحث‌های منسجم و سامان‌یافته‌ای درباره‌ی سبک‌شناسی نمی‌توان یافت؛ اما این بدان معنی نیست که گذشتگان ما هیچ نظری درباره‌ی سبک سخن نداشته‌اند. مروری بر تاریخ زبان فارسی نشان می‌دهد که نگرگاههای متعدد و گاه باریک‌بینانه‌ای در لابه‌لای کتاب‌ها و رسالات گذشتگان وجود دارد. از روزگار باستان مسائلی آموزش

سبک در میان دیبران و منشیان مطرح بوده است؛ هم‌چنین شاعران در خلال اشعارشان از سبک خویش و طرز دیگران بسیار سخن گفته‌اند. تذکرہ نویسان فارسی به‌ویژه در سده‌های دهم تا سیزدهم هجری در باب طرزهای شخصی و عمومی آراء جالبی دارند. گاه بخش‌های کوتاهی از یک کتاب یا رساله عیناً به موضوع سبک‌شناسی اختصاص یافته است؛ مثل کتاب‌های جامع الصنایع و الاوزان سیف جام هروی (قرن ۸) و جواهر الاسرار آذری طوسی (د. ۸۶۰ق).

در همه‌ی این منابع هر گاه سخن از شیوه‌ی بیان یک نویسنده یا شاعر در میان است اصطلاحات طرز، طریقه، شیوه، نمط، سیاق، اسلوب، روش و مانند آن‌ها به کار رفته است. دیدگاه‌های پراکنده در باب سبک در هر دسته از منابع ادبی کهن ما خود پژوهشی مستقل و دامنه‌دار می‌طلبد. این دیدگاه‌ها برای بازشناسی ادوار و جریان‌ها و سبک‌های شخصی و عمومی بسیار حائز اهمیت است. چه بسا بسیاری از آن دیدگاه‌ها پایه‌های درک و شناخت امروزی ما از انواع ادبی، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات فارسی را شکل داده است.

در دهه‌ی سی شمسی، محمد تقی بهار سبک‌شناسی را به عنوان دانش مستقل بنیاد نهاد. او کتاب سه جلدی سبک‌شناسی را برای تدریس در دوره‌ی دکتری دانشگاه تهران تألیف کرد. او در قصیده‌ی گلایه‌آمیز خطاب به وزیر فرهنگ زمان، به نقش خود در پایه‌گذاری فن سبک‌شناسی در ایران و تألیف کتاب تطور نشر (سبک‌شناسی) اشاره کرده است (بهار، ۱۳۴۴: ج ۱ ص ۶۸۸).

شد این علوم ز من شهره در جهان ادب که کس نیافت چنین گوهری ز کان ادب که هست تازه‌ترین گل ز گلستان ادب	ز علم سبک‌شناسی کسی نبود آگاه بود یکی ز صد آثار من «تطور نشر» رواست گر فضلایش به سینه نصب کند
---	---

این کتاب تاریخ تطور سبک‌های نثر فارسی را از آغاز تا دوره‌ی مشروطه بررسی می‌کند. رویکرد اصلی سبک‌شناسی استاد بهار را زبان‌شناسی تاریخی و فقه‌اللغه شکل داده است. روش او در این کتاب توصیفی- تحلیلی است. مجموعه‌ای از متون نظر ادبی و تاریخی فارسی در سطح واژگانی و نحوی و گاه بلاغی توصیف شده‌اند. بهار بر اساس این توصیف یک دوره‌بندی از تطور نثر فارسی تا روزگار خود ارائه کرده که تا امروز اساس دوره‌بندی‌ها و مطالعات سبک‌شناسی نثر فارسی بوده است. در سبک‌شناسی بهار بررسی صورت‌های زبان اولویت دارد و پیوند سبک با اندیشه و با مسائل اجتماعی و سیاسی چندان پی‌گیری نشده است؛ هر چند از بسیاری موضع کتاب برمی‌آید که ملک‌الشعراء دگرگونی زبان را نتیجه‌ی تغییر اندیشه می‌داند (برای ارزیابی سبک‌شناسی بهار نک. شمیسا، ۱۳۶۴).

ملک‌الشعراء بهار مانند اکثر شاعران بزرگ در قالب شعر دیدگاه‌های سبک‌شناسی‌ک خود را طرح کرده است. این مباحث سبک‌شناسانه در دیوان وی از بحث در سبک فردی و سبک دوره تا اظهار نظر در تکوین سبک و غیره را در بر می‌گیرد. بهار فرصت تدوین سبک‌شناسی شعر را نیافت. اگر چنین فرصتی برای او دست می‌داد سبک‌شناسی شعر فارسی امروز از میراثی غنی هم‌چون سبک‌شناسی نثر برخوردار بود.

حسین خطیبی (۱۲۹۵-۱۳۸۰) شاگرد بهار و جانشین وی در کرسی سبک‌شناسی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۴ شمسی یعنی چهارده سال پس از درگذشت استادش، کتاب چهاری ۱۷۲ صفحه‌ای با نام تاریخ تطور نثر فارسی: قرون ششم و هفتم هجری به انتشارات دانشگاه تهران سپرده. بیست و دو سال بعد کتاب فن نثر در ادب پارسی (۱۳۶۶ ش) را منتشر کرد. بخش نخست این کتاب را به تاریخ تطور و مختصات نثر پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری اختصاص داده و در بخش دوم به نقد نثر و اقسام آن در طی چهار قرن نخست پرداخته است. مبانی طبقه‌بندی نثر فارسی که خطیبی پیشنهاد کرد، آمیزه‌ای است از نوع

ادبی نثر (خطابه، مقامه، مکاتیب، ترسلات و انواع آن‌ها)، صفات نوشتار (نشر نقلی و وصفی)، بافت کاربردی (نشر محاوره) و سبک نوشتار (نشر مرسل و فنی). خطیبی مختصات سبکی کتاب‌های نثر فنی فارسی را در دو سطح لفظی و معنایی نقد و بررسی کرده است. در این کتاب نیز پیوند صورت و محتوا و رابطه‌ی سبک با مسائل اجتماعی و فرهنگی چندان پی‌گیری نشده است.

در دهه‌ی پنجاه شمسی چند کتاب در سبک‌شناسی شعر فارسی تألیف شد. در دانش‌سرای عالی محمد جعفر محجوب در کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی (۱۳۵۰ش) به بررسی مختصات سبکی شعر فارسی از آغاز ظهور تا پایان قرن پنجم هجری پرداخت. پوران شجیعی در همان زمان سبک شعر پارسی در ادوار مختلف سبک خراسانی را نوشت و نصرت تجربه کار سبک شعر در عصر قاجاریه (۱۳۵۰ش) را در مشهد منتشر کرد.

پس از انقلاب دو درس سبک‌شناسی نظم و نثر در برنامه‌ی درسی رشته‌ی ادبیات فارسی، ضرورت تألیف کتاب‌های درسی را پدید آورد. سیروس شمیسا استاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران با تأثیف سه کتاب، در صدد برآوردن نیاز درسی دانشجویان و استادان سبک‌شناسی برآمد. او کار در سبک‌شناسی را در سال ۱۳۷۱ شمسی با تأثیف کتاب‌های آموزشی برای دانشجویان رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران آغاز کرد. سبک‌شناسی نثر وی تلخیص کتاب سه جلدی بهار برای مقاصد آموزشی بود. در کلیات سبک‌شناسی (۱۳۷۲ش) مسائل نظری سبک‌شناسی را مطرح کرد که بخش‌های نظری آن برای دانشجویان و مدرسان ادبیات فارسی تازگی داشت. شمیسا در سبک‌شناسی شعر (۱۳۷۴ش) رویکردی تاریخ ادبی به سبک‌های شعر فارسی دارد که ویژگی‌های عمومی و گاه فردی سبک شاعران را در یک نظم خطی تاریخی بیان می‌کند.

استادان رشته‌های غیر ادبیات فارسی که درباره‌ی سبک‌شناسی نوشته‌اند رویکردی نظری دارند که با شواهد و نمونه‌های فارسی همراه می‌شود. از جمله محمود عبادیان، استاد

دانشگاه علامه طباطبایی که در پراگ و هامبورگ آلمان دکترای فلسفه خوانده بود کتابی با نام درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات (۱۳۶۸ش) نوشت و همراه با نظریه‌های اروپایی تمرین‌هایی از ادب فارسی برای آموزش و یادگیری سبک آورد. آبخور روش و مبانی نگرش عبادیان منابع سبک‌شناسی آلمانی است. محمد تقی غیاثی، استاد زبان فرانسه در دانشگاه تهران سبک‌شناسی ساختاری را در کتاب درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری (۱۳۶۸ش) با شواهد و نمونه‌های شعری فارسی معرفی کرد. آبخور رویکرد و مبانی نگرش غیاثی نیز چهار کتاب از سبک‌شناسی ساختاری در فرانسه است.

محمد غلامرضايی، استاد دانشگاه شهيد بهشتی کتاب سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو (۱۳۷۷ش) را به همان سیاق سبک‌شناسی شعر شمیسا با جزئیات بیشتری در باب زندگی و سبک شاعران نوشت (برای نقد آن نک. فتوحی، ۱۳۷۸). محمدناصر رهیاب در افغانستان، سبک و سبک‌شناسی (۱۳۸۱ش) را با تکیه بر منابع سبک‌شناسی ایرانی و افغانی نوشته است.. غلامرضايی، سبک‌شناسی ترھای صوفیانه (۱۳۸۸) را نیز به سیاقی نزدیک به تاریخ ادبیات نثر عرفانی با اشاراتی به سبک آثار متثور عرفانی تدوین کرده است.

در زمینه‌ی سبک شعر فارسی کتاب و مقاله بیش از نشر نوشته شده که نشان‌دهنده‌ی تعلق خاطر ما ایرانیان به شعر و استمرار کم‌عنایتی تاریخی ما به نثرنویسی است. برخی از کتاب‌های سبک‌شناسی شعر فارسی عبارت‌اند از: سبک خراسانی در شعر فارسی (۱۳۵۰ش) تأليف محمد جعفر محجوب، سبک شعر پارسی در ادوار مختلف سبک خراسانی تأليف پوران شجیعی، سبک شعر در عصر قاجاریه (۱۳۵۰ش) تأليف نصرت تجربه کار؛ طرز تازه؛ سبک‌شناسی غزل سبک هنلی (۱۳۸۴ش) تأليف حسن پورآلاشتی و بسیاری پژوهش‌ها درباره‌ی سبک شخصی شاعران فارسی.

تاریخچه‌ی شصت ساله‌ی سبک‌شناسی فارسی نشان می‌دهد که مطالعات سبک در فارسی دچار کاستی‌هایی نظری و روش‌شناختی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۱) غلبه‌ی ذهنیت تاریخ ادبی بر سبک‌شناسی: اشتیاق به دوره‌بندی سبک‌ها و گونه‌شناسی سبک بر اساس ادوار سیاسی (سبک سامانی، غزنوی، تیموری، قاجاری، مشروطه) نشان می‌دهد که هنوز سبک‌شناسی فارسی از زیر سیطره‌ی تاریخ ادبیات بیرون نیامده است. نگاه ادواری به سبک به ویژه وقتی که الگوی خود را از تاریخ ادبیات فارسی می‌گیرد مانع بزرگی بر سر راه گونه‌شناسی در پژوهش‌های سبکی شده است. به همین دلیل است که سبک‌شناسی فارسی به شناسایی سبک‌های شخصی کم‌تر کمر بسته و سخت دل‌بسته‌ی توجیه انتساب سبک یک شاعر به سبک‌های دوره‌ای و عمومی است. حال آن‌که شناسایی ویژگی‌های عمومی سبک و شناخت سبک دوره‌ای، با خوانش دقیق یکایک متن‌ها و شناسایی فردانیت سبک‌های شخصی آغاز می‌شود. بر اساس یافته‌های متنی در مرحله‌ی بعد می‌توان به دسته‌بندی و گونه‌شناسی سبکی و شناسایی نظام‌های سبکی میان متن‌های همگون پرداخت.
- ۲) غفلت از پیوند سبک با درون‌مایه و عوامل برومنتنی: محققان ادبی در دانشگاه‌های ایران بیش از حد بر صورت‌های ادبی تکیه دارند. دل‌بستگی بسیار به روش‌های فرمالیستی سبب شده تا پژوهش‌های سبک‌شناسیک در بهترین صورت، صرفاً از گردآوری عناصر زبانی و فهرستی از برجسته‌سازی‌ها فراتر نزود و به کارهای مکانیکی خشک بدل شود. تحلیل سبک به ارائه‌ی چند نمونه برجسته‌سازی واژگانی و نحوی محدود می‌شود و تحلیل‌های بلاعی در سطح یافتن صنایعات بلاعی فرو می‌ایستد. حتی بسامدهای معنادار سبک را تحلیل نمی‌کنند. چنین روشه‌ی نمی‌تواند میان محتوا و عوامل برومنتنی با سبک پیوندی برقرار کند. از آن سو نقدهای مبنی بر نظریه نیز بی‌عنایت به سرشت متن و سازه‌های صوری آن، محتوا را دست‌مایه‌ی تعبیرها و تفسیرهای خود می‌سازند.
- ۳) فقدان پشتوانه‌های نظری: در این سال‌ها تمام همت سبک‌شناسی فارسی معطوف به پژوهش‌های عملی و کاربردی بوده است که عموماً در حوزه‌ی ادبیات مخصوصاً شعر

فارسی صورت گرفته است. گرچه خوانندگان فارسی زبان، مشتاق مبانی نظری سبک‌شناسی هستند؛ ولی نظریه‌ها و روش‌های سبک‌شناسی در ایران چندان به بحث گرفته نمی‌شود. فقدان پژوهانه‌های نظری منجر به فقدان نقدهای روش‌مند بر پژوهش‌های سترون سبک‌شناسی شده است. سبک‌شناسی نظری زمینه‌ی ارتباط سبک‌شناس را با دیگر رشته‌ها برقرار می‌کند و الگوهای نظاممندی به او می‌دهد.

گمان می‌کنم سبک‌شناسی و بهویژه رویکردهای این دانش که برآمده از زبان‌شناسی نوین است، باید پای در میدان گذارد و این کاستی‌ها را جبران کند. من سخت دل‌بسته‌ی گفته‌ی مورخ بزرگ تاریخ نقد، رنه ولک هستم که رویکرد سبک‌شناسی زبانی را «امپریالیسم سبک‌شناسی مدرن» (Wellek, 1986: 143) خوانده است. سبک‌شناسی تأکید دارد که هر تفسیر و قضاوی باید بر پایه‌ی «خوانش دقیق عین متن» استوار گردد؛ به عبارت قدماًی علیکُم بالمتون لا بالحواشی.

### روش این کتاب

سبک‌شناسی در این کتاب پایه‌ی زبان‌شناختی دارد. پیوسته از مبانی زبان‌شناسی سخن می‌رود و مبانی سبک‌ساز را در پنج لایه‌ی زبان (آواشناسی، ساخت‌واژی، نحو، معنی‌شناسی و کاربرد‌شناسی) وامی کاود. بنیاد بخش عملی این کتاب بر همین لایه‌های زبان نهاده شده است اما از آن‌جا که کتاب را برای مقاصد سبک‌شناسی ادبی تألیف کرده‌ام، ناگزیر در عنوان فصل‌های یازدهم و دوازدهم به جای دو لایه‌ی معنی‌شناسی و کاربردی، لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک را پیشنهاد کرده‌ام.

لایه‌ی بلاغی در واقع نوعی تحلیل معنی‌شناسیکِ زبان ادبی است، اما معانی تخلیلی را تحلیل می‌کند. ساخت‌های معنایی برآمده از صورِ خیال با معیارهای معنی‌شناسی چندان مطابقت ندارد. زبان‌شناسان صورت‌های مجازی و استعاری زبان را بخش مبهم و تیره‌ی زبان می‌دانند و چندان روی خوشی به گزاره‌های ادبی نشان نمی‌دهند؛ ولی سبک‌شناس

ادبی اگر معانی تخیلی و صور استعاری را به کنار نهاد ادبیت متن را نادیده گرفته و چیزی برای تحلیل در دست ندارد. لایه‌ی بلاعی ناظر بر زیبایی‌شناسی ادبی و صورت‌های مجازی زبان است و سبک‌شناسی ادبی بدون واکاوی عناصر بلاعی و زبان مجازی از متن تهی دست بیرون می‌آید. بررسی سطح بلاعی متن هم کلید شناخت زیبایی‌ها را در دست ما می‌گذارد و هم دریچه‌های تفسیر و تأویل را به روی ما می‌گشاید.

لایه‌ی ایدئولوژیک را در فصل دوازدهم جای گزین لایه‌ی کاربردشناسی کردم؛ چرا که متن ادبی مخاطبان بسیار دارد و پیوسته بازنفسیر می‌شود. اشاره‌گرهای مکان، زمان و مخاطب در هر خوانشی فرق می‌کند. مؤلف، من فردی و باورهای خود را پیوسته در بازی‌های زبانی و صناعات ادبی پنهان می‌کند؛ بنابراین بازسازی موقعیت ارتباطی (مکان زمان‌مند مکالمه بین گوینده و شنونده) برای متن ادبی اگر نگوییم مُحال، دست کم، دشوار است. از این رو به اقتضای سبک‌شناسی ادبی، بحث از لایه‌ی کاربردشناسی را معطوف به بررسی تأثیرات ایدئولوژیک در زبان نویسنده کرده‌ام.

این روش را از آن رو که سبک را در پنج لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی، بلاعی و ایدئولوژیک بررسی می‌کند «سبک‌شناسی لایه‌ای» نامیده‌ام. مزیتِ روش لایه‌ای در آن است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌سازد، و انگهی سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن جداگانه مشخص می‌کند. در سراسر کتاب کوشیده‌ام در بحث از تمام مسائل سبک به پیوندِ ارگانیک و اندام‌وار صورت و محتوا و فادر بمانم. اختلاف نظرها در تعریف سبک و سبک‌شناسی، ناشی از تأکیدِ سبک‌شناسان بر یکی از دو عنصر محتوا یا صورت است. مسلم است که سبک نه به ویژگی‌های شکل محدود می‌شود و نه صرفاً برآمده از محتواست؛ بلکه برآیندی است از درهم‌پیوستگی شکل و محتوا و حاصل کیفیت ترکیب آن دو که متأثر از شرایط اجتماعی-تاریخی و خصایل

درونى مؤلف نيز هست. سبک كيفيتى است در سخن كه از اتحاد شكل و محتوا حاصل مى شود. از اين رو جداسازى آن دو، كاري شناخت سبک را به بى راهه مى كشاند.

كتاب بر مبنای آن پيوند ارگانيك مى كوشد نسبت هر لايه را با محتوا و بافت‌های بيرون متن بکاود و پيوند گاه‌های فرم و معنی را بازشناشد. بخش دوم كتاب به اين نگاه ارگانيك پاي بندتر است و پيوسته جانب درهم تنيدگى صورت و محتوا را پيش چشم دارد. به اين اميد كه از کاستي‌های سبک‌شناسي صورت‌گرا بکاهد. در هر لايه الگوهای پيشنهاد شده است تا تحليل گر بر اساس آن‌ها عناصر سبک‌ساز آن لايه را شناسايي کند. پرسش‌هایي نيز در پايان برخى فصل‌ها طرح شده تا سبک‌شناس را به جانب کشف بسامدهای معنادار و عناصر مسلط سوق دهد و مواضع پيوند صورت و محتوا را بکاود.

### ساخたر اين كتاب

چهارده فصل كتاب در دو بخش کلان سامان یافته است: سبک‌شناسي نظری و سبک‌شناسي عملی. پنج فصل نخست به بحث‌های نظری پيرامون زبان و چيستي سبک، ماهيت سبک ادبی و مسائل آن، ماهيت دانش سبک‌شناسي، نسبت سبک‌شناسي با دانش‌های ادبی و زبانی و روبيکردهای سبک‌شناسي، اختصاص یافته است. نه فصل بخش دوم، با اين هدف طراحی شده که شيوهی بررسی عملی و تحليل عينی سبک را در پنج لايه‌ی معرفی شده نشان دهد. از فصل هشتم بحث‌ها کاربردي‌تر مى شود. در پيشانی هر فصل اشاره‌ای کوتاه به قصد ورود خواننده به بحث آوره‌ایم و در پايان هر فصل نيز فشرده بحث‌ها بازگو شده است. در پايان كتاب دو فصل «سبک‌شناسي طنز» و «سبک زنانه» در واقع طرحی است برای کاريست روشن لايه‌ای در دو قلمرو بافت و ايده‌لوژي. طنز بر بافت متکی است و سبک زنانه بر لايه‌ی ايده‌لوژيک.

# **کتاب نخست**

## **سبک‌شناسی نظری**

زبان و سبک

سبک ادبی

دانش سبک‌شناسی

سبک‌شناسی و دانش‌های ادبی و زبانی

رویکردهای سبک‌شناسی

# ۱

## زبان و سبک

اشاره: مفهوم سبک از دیرباز یکی از موضوعات پر مناقشه در میان سبک‌شناسان بوده است. این چستار با بررسی اصطلاح سبک از منظر زبان‌شناسی در پی آن است تا دیدگاه روشنی از مفهوم سبک ارائه کند. در این بررسی، شش شاخص اصلی سازندهٔ سبک (گرینش، هنجارگریزی، بسامد، گونه‌ی کاربردی، موقعیت و فردیت) که در تعریف‌های مختلف تا کنون مورد توجه بوده است مطرح و زوایای آن کاویده شده است. هیچ‌کدام از این پنج شاخص به تنها‌ی، سازندهٔ سبک اصیل نیست. در این فصل هم‌چنین مترادف دانستن سبک با گونه‌ی کاربردی زبان مورد نقد فرار گرفته و تفاوت‌های این دو اصطلاح بیان شده است. نگارنده بر این نکته تأکید دارد که سبک کاربرد خلاقه و فردی زبان است اما گونه‌ی کاربردی عمدتاً زبان جمعی و توافقی است.

### ۱-۱) معنای سبک

معنی واژگانی سبک: واژه‌ی سبک عربی است، از ریشه‌ی «سبَك» به معنی «ذوب کردن و در قالب ریختن» (فراهیدی، ۱۷۰ ق؛ ابن منظور افریقی، ۷۱۱ ق: ذیل سبک). زمخشri (۵۳۸ ق: ۲۰۱) سبک را به معنی پاک کردن نقره از ناخالصی آورده است. سابقه‌ی کاربرد اصطلاح سبک در زبان عربی به قرن سوم هجری در آثار جاحظ و ابوهلال عسکری می‌رسد. جاحظ (د. ۲۵۰ ق) در آثارش سبک را مکرراً با صفات نیک و زیبا همراه آورده است. در ادب فارسی و عربی تعبیرهای «طرز، اسلوب، روش، سیاق و نمط»، مترادف سبک به کار رفته‌اند. در زبان فارسی اصطلاح سبک‌شناسی را نخستین بار محمد تقی بهار

برای عنوان کتاب خود سبک‌شناسی نشر (۱۳۳۰ ش) به کار برد. در زبان‌های لاتین «استیل» به معنی سبک از ریشه‌ی ستیلوس<sup>۱</sup> است که قلمی نوک‌تیز بوده و با آن حروف را روی صفحه‌های سخت می‌تراشیدند. بعدها این واژه به طور مجازی به روش خاص شکل دادن به حروف در نوشتار تعبیر شده است.

سبک در معنی عام: سبک در معنی عام و در متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم، عبارت است از «شیوه‌ی خاص انجام یک کار»؛ مثلاً مردم پوشیدن لباس یا خوردن غذا را به شیوه‌های مختلفی انجام می‌دهند. ممکن است کسی لقمه را در دهان چندین بار بجود و یکی دیگر لقمه را بیلعد. تند جویدن غذا در مقایسه با آرام جویدن یک سبک متفاوت است و بلعیدن در قیاس با این دو شیوه، سبک سومی از غذا خوردن است. برای انجام هر کدام از رفتارهای انسانی سبک‌ها و شیوه‌های گوناگونی وجود دارد؛ پس «سبک، شیوه‌ی انجام یک کار است». به دشواری می‌توان در رفتارهای نوع بشر، رفتاری یافت که تمام انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها آن را به روش واحدی انجام دهنند.

معنای اصطلاحی سبک: اصطلاح «سبک» که در زبان‌شناسی و ادبیات بر شیوه‌ی رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیرباز دگرگونی معنایی قابل توجهی داشته است. سخن گفتن، یک رفتار زبانی است که بنا به موقعیت اجتماعی، سن و جنسیت افراد، به گونه‌های مختلف انجام می‌پذیرد. در تعریف زبان‌شناسان سبک عبارت است از «شیوه‌ی کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله‌ی شخص معین، برای هدفی مشخص» (لیچ، ۱۹۸۱: ۱۰). گرچه هدف ما در این کتاب معطوف به سبک‌شناسی ادبی است؛ اما تعریف فوق را پایه‌ی کار خود قرار داده‌ایم و «هدف مشخص» را به ادبیت سخن معطوف ساخته‌ایم که در آن انگیزه‌های نظم، زیبایی و تأثیر در اولویت است.

---

<sup>1</sup>. stilus